



شیعیان در آسیای جنوب شرقی

پدیدآورده (ها) : مارسین کوفسکی، اسماعیل
علوم اجتماعی :: چشم انداز ارتباطات فرهنگی :: دی 1383 - شماره 13
از 48 تا 49
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/378484>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

شیعیان در آسیای جنوب شرقی

اسماعیل مارسین کوفسکی

اشاره:

روابط فرهنگی ایرانیان با شرق به صورت کلی و با کشورهای جنوب شرقی آسیا به صورت خاص همیشه پررونق بوده‌اند، یکی از دلایل این رونق تأثیر فرهنگ ایرانی بر شبه قاره هند بوده و این حوزه فرهنگی در نقش واسطه فرهنگی میان ایران و کشورهای جنوب شرقی آسیا عمل کرده است.

در مقاله‌ای که پیش رو دارید دکتر اسماعیل مارسین کوفسکی از پژوهشگرانی که بسی در باب تعامل فرهنگی ایران و کشورهای جنوب شرقی آسیا پژوهش کرده به وضعیت شیعیان در این کشور می‌پردازد. اسماعیل مارسین کوفسکی که هم‌اکنون استاد دانشگاه اسلامی مالزی است در بسیاری از نشریات و کتابهای معتبر به بسط رابطه فرهنگی ایران و کشورهای جنوب شرقی آسیا پرداخته است.

چشم‌انداز

مراحل تاریخی و چگونگی شرایطی که بر طبق آن اسلام در آسیای جنوب شرقی گسترش پیدا کرد هنوز موضوع بحثهای داغ میان محققان هستند (برای آگاهی

بیشتر از نظریه‌های مختلف مراجعه شود به «المطاس: نظرات مقدماتی در باب تنوری کلی ترویج اسلام در شبه جزیره اندونزی - مالزی» و ۲. «ایدم: اندونزی» و ۳. «دروز: پرتویی نو بر آمدن اسلام به اندونزی»

من در این مقاله محدوده جغرافیایی مطالعه‌ام را به آچه در سوماترا و تا حدی به شبه جزیره مالای محدود می‌کنم. زیرا در این دو نقطه دو حاکمیت قدرتمند اسلامی شکل گرفتند: سلطان‌نشین مالاکا در قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ و سلطان‌نشین آچه که در نیمه اول قرن ۱۷ به اوج شکوه خود رسید.

جمعیت مسلمان آسیای جنوب شرقی را اکثراً سنی‌های شافعی که در الهیات اشعری هستند تشکیل می‌دهند.

می‌دانیم مسلمانان تاجریشه از خاورمیانه و هند از قرون اولیه ظهور اسلام به آسیای جنوب شرقی سفر کرده‌اند. اما گرایش گسترده مردم شبه جزیره مالای و اندونزی به اسلام در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی با آمدن تجار عرب از حضرموت در جنوب شبه جزیره عربستان و جنوب هند شکل گرفت؛ یعنی از مناطقی که تحت پوشش مذهب شافعی بودند. بسیاری از این تجار به طریقه‌های مشهور تصوف که در آن برهه خاورمیانه و هند فعال بودند وابستگی داشتند. از دوره غزنویان به بعد، مخصوصاً بعد از تشکیل

سلطان‌نشین دهلی در قرن ۱۳، فارسی، زبان تکلم مسلمانان تحصیل کرده هند شد (مارسین کوفسکی: تاریخ و جغرافیای ایران، ص ۶۴)، اسلام در آن برهه، مبتنی بر آموزه‌های تصوف و متکی بر تقدس صوفیان ایرانی توسط تجاری از جنوب و غرب هند در آسیای جنوب شرقی گسترش یافت. این گرایشها با باورهای مردم بومی حتی عقیده به شمنها مربوط به قبل از ورود اسلام آمیخته‌اند (برای اطلاع بیشتر به ۱. رینکس: اولیای نه‌گانه جاوه و ۲. گوردون: تبلیغ اسلام در شبه جزیره مالای - اندونزی مراجعه شود).

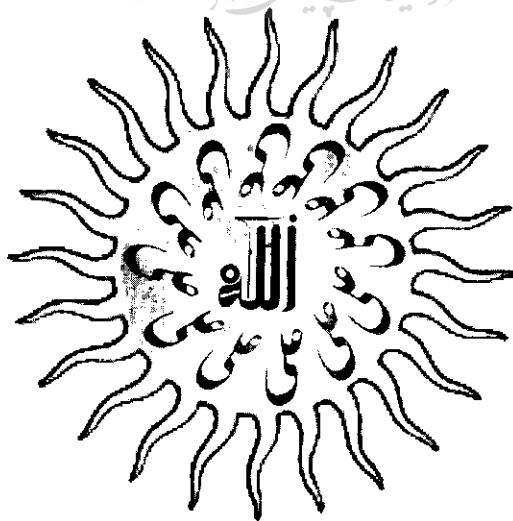
علام و نشانه‌های تشیع نیز همراه با تصوف، مخصوصاً از طریق جنوب هند که تشیع در آن نفوذ خوبی کرده بود، وارد اسلام اندونزیایی - مالایی شد (مراجعه شود به خالدی: شیعیان دکان). ما نمی‌دانیم که اسماعیلیها در شبه جزیره فعالیت داشته‌اند یا خیر اما به هر صورت شیعیان در اواخر قرن ۱۳ نخواستند یا نتوانستند دولتی شیعی تشکیل دهند. گفته می‌شود در آن هنگام تشیع باعث ایجاد شکاف در خانواده حاکم پراک، ظاهراً قدیمی‌ترین سلطان‌نشین اسلامی در سواحل شمالی سوماترا، شد.

(زکریا علی: هنر اسلامی در آسیای جنوب شرقی، ص ۲۱۴). تأثیر تشیع بیشتر در ادبیات مسلمان شبه جزیره ظاهر شده که توسط بسیاری از محققان غربی و اندونزیایی، و در رأس همه آنها آقایان «برید» و «ویرینگ»، مورد مطالعه واقع شده است.

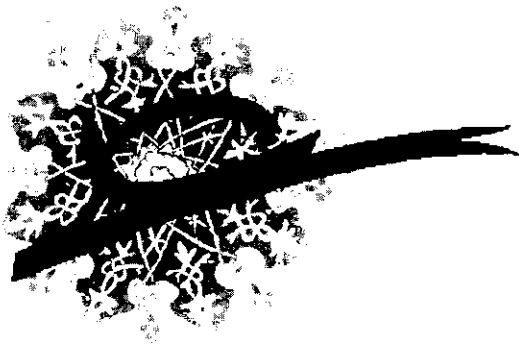
این نفوذ و تأثیر به طور مشخص در «حکایات» که بخشی از میراث ادبی مجمع‌الجزایر هستند متجلی شده است. حکایات محمد حنفیه که نمی‌دانیم از کیست اما تحقیقات خوبی در مورد آن انجام و توسط «براکل» به انگلیسی برگردانده شده قدیمی‌ترین اثری است که در این زمینه به دست ما رسیده است و هنوز هم در میان مسلمانان آسیای جنوب شرقی شهرت دارد. به نظر می‌رسد حکایات محمد حنفیه احتمالاً در «پاسای» در شمال شرقی سوماترا از اصل فارسی ترجمه شده است. (براکل: جلد ۱، ص ۵۶ وینسند: تاریخ ادبیات کلاسیک مالای، صفحات ۸ و ۱۲). براکل براساس

نتیجه‌گیری خود از متن ترجمه مالایی، متن ناشناخته فارسی را به قرن ۱۴ میلادی نسبت داده و ترجمه مالایی را با «نه خیلی دیرتر» توصیف کرده است (احتمالاً نیمه دوم قرن ۱۴) که روی قدیمی‌ترین نسخه دستنویس آن، تاریخ ۱۶۳۲ درج شده است.

براکل (جلد ۱ ص ۱۰۲) فهرستی از ترجمه‌های دیگر حکایات محمد حنفیه به سایر زبانهای اندونزی، مانند جاوه‌ای، ارائه می‌دهد و به نسخه‌های ترکی، اردو و



حکومت آسان گیر و روشنفکرانه علاءالدین (۱۶۰۴ - ۱۵۸۸) در سلطان نشین آچه زمینه را برای شکوفایی عرفان متکی بر اندیشه‌های ابن عربی که از سوی حمزه فنصوری، صوفی مالایایی وحدت وجودی مطرح شده بود فراهم کرد



پنجایی این کتاب نیز اشاره می‌نماید. **حکایت** محمد حنفیه بخشی از میراث ادبی مسلمانان آسیاست که حماسه مبارزه محمد بن حنفیه شخصیت نمونه و برجسته و قهرمان شیعیان و فرزند امام علی بن ابیطالب را نقل کرده است. جالب است که «براکل» بیان می‌دارد که در نسخه‌های بعدی **حکایت** محمد حنفیه، بعضی جملات خصوصاً تمیز نسبت به معاویه و ابوهریره و گروه آنها حذف شده است.

هر چند قرون ۱۵ تا ۱۷ میلادی، قرون فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی و ریشه‌دواندن اسلام در سلطان‌نشین‌های مالاکا و آچه بوده‌اند اما گسترش اسلام در سایر قسمت‌های جنوب شرق آسیا مانند نقاط دیگر اندونزی و فیلیپین مراحل بسیار ابتدایی را طی می‌کرده است. حتی از درجه پایین و میزان کم نفوذ اسلام در شبه جزیره سخن گفته شده است: بعد از سقوط مالاکا توسط پرتغالی‌ها در سال ۱۵۱۱، آچه‌ایها کداج را در شبه جزیره مالایا دوباره مسلمان کردند زیرا مردم آن منطقه به پرستش طبیعت برگشته بودند.

حکومت آسان گیر و روشنفکرانه علاءالدین (۱۶۰۴ - ۱۵۸۸) در سلطان نشین آچه زمینه را برای شکوفایی عرفان متکی بر اندیشه‌های ابن عربی که از سوی حمزه فنصوری، صوفی مالایایی وحدت وجودی مطرح شده بود فراهم کرد (نیمه دوم قرن ۱۶، مراجعه شود به العطار: **عرفان حمزه فنصوری**). لازم است ذکر شود اکبر (۱۶۰۳ - ۱۵۵۶) امپراتور مغول، در همین برهه بر هند حکم می‌راند و زمینه‌های شکوفایی فلسفه و عرفان فراهم بود. بعدها حمایت نورالدین رانیری (متوفای ۱۶۶۵) که در هند متولد شده بود باعث تمایل به قانون‌گرایی مبتنی بر احکام فقهی شد و براساس آن نواندیشی که در فنصوری و یارانش تجلی پیدا کرده بود با اتهام و فشار و محدودیت مواجه شد.

این تاریخ تقابل نواندیشی و سنت‌گرایی در آچه قرن ۱۷ که در فنصوری و رانیری تجلی پیدا کرده بود فقط در مقوله «عرفان» مورد مطالعه قرار می‌گرفت (العطار: **رانیری و وجودیه قرن ۱۷ آچه**). بنا به نظر العطار انتشار احکام و فتاوا براساس عقاید سنی سنتی مانند تهاید النسفی، برای مقابله با این گرایش‌ها، دلیل روشنی بر این تقابل بوده است. به هر حال شیوع گسترده اندیشه‌های شیعی بین صوفیان نواندیش آچه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. فنصوری در بسیاری از اشعارش به اولین امام شیعیان اشاره کرده است. فنصوری غیر از زبان مالایی، به عربی و فارسی نیز بخوبی صحبت می‌کرد. ظاهراً در سفری که به خاورمیانه داشته به عراق هم رفته است. اینکه فنصوری در عراق، مرکز زیارتی شیعیان، چه می‌کرد روشن نیست. شماری از محققان معاصر مانند آتونی‌رید (جنوب شرقی آسیا در عصر تجارت، ۱۹۸۰ - ۱۴۵۰ جلد ۲، توسعه و بحران، ص ۱۹۰) و نگارنده این مقاله (مارسین کوفسکی، **روابط ایرانیان و سیامی‌ها: یک جامعه ایرانی در پادشاهی تانی شهر، آیوتایا، ص ۲۹**) این احتمال را ذکر کرده‌اند که فنصوری خود شیعه بوده است. در قرون ۱۶ و ۱۷، شیعه دوازده امامی، پایگاه قدرتمندی در کشور همسایه سیام، تایلند امروزی، داشته است. فنصوری در آیوتایا متولد شده که شیعیان در آنجا در محل مستحکم و محافظت شده‌ای زندگی می‌کردند (رجوع شود به **روابط ایران و تایلند و ۲. سقینه سلیمانی**)، فنصوری در یکی از اشعارش به زبان مالایی، واژه فلسفی و عرفانی «وجود» را به صورت اتهام برای اشاره به محل تولدش به کار می‌برد. در این شعر شهرنو (Nava - shr) همان آیوتایاست. این شعر می‌تواند به محل واقعی تولد و یا به محلی که در آنجا هویت جدید پیدا کرده و به راه عرفان رهنمون شده اشاره باشد.

Mendapat Wujud ditanah shahr Nawe یعنی: او وجودش را از زمین شهرنو

گرفت. (رجوع شود به العطار: **عرفان حمزه فنصوری، ص ۷**)

قابل توجه است که بنا به نظر هور گرونزهر مراسم عزاداری عمومی برای حسین (ع) در طول دهه اول ماه محرم (که مسلمانان سنی منطقه از آن به Usen - Asan یا حسن - حسین یاد می‌کردند) در میان سنیان بخش‌هایی از سوماترا، حداقل تا اوایل قرن بیستم رایج بوده است (رجوع شود به ایدم: **آچه‌ای‌ها، جلد ۲ صفحات ۲۰۲ تا ۲۰۶**)

تقابل اندیشه‌های رانیری، که شیخ‌الاسلام سلطان نشین آچه بود، و فنصوری که پیروانش مورد اتهام رانیری بودند، دو ویژگی قابل توجه را در اسلام مالایی اندونزیایی آشکار می‌سازد: یکی اینکه عرفان برجسته نواندیش بر جریانی قوی اما ناپیدا از تشیع استوار بوده است. این جریان با ورود اسلام به منطقه وارد شده و لایه‌ای از احکام سنی آن را پوشانده بود. این خصوصیات برای ما روشن می‌کنند علیرغم حذف گرایش‌های نواندیشی از ادبیات کلاسیک مسلمانان مالایی، آنچنانکه در مورد نسخه خطی **حکایت** محمد حنفیه اشاره کردیم، این آثار در میان مردم باقی ماندند. بر این اساس بود که وجود گرایش‌های شیعی در آسیای جنوب شرقی در اوایل قرن بیستم، مجدداً موضوع بحث‌های داغ مسلمانان در مالایا و سنگاپور مستعمره انگلیس

و هلند قرار گرفت. سید محمدالعقیل الحضرمی، از تیره اعراب ساکن مالایا، در کتب خود که در سنگاپور چاپ می‌شدند بر لحن معاویه اولین خلیفه اموی ثواب و اجر مترتب دانست و این امر تعجب و ناخرسندی جامعه سنی مذهب را برانگیخت. هر چند این موضوع، که حتی نظر اصلاح‌طلب بزرگی چون رشیدرضا را نیز جلب کرد، به لحاظ بیان وضعیت جوامع عرب ساکن آسیای جنوب شرقی اهمیت داشت، اما تا حدی بیانگر قدرت گرایش‌های شیعی در مسلمانان آن منطقه، علیرغم رشد نفوذ و فعالیت اندیشه‌های وارد شده از خاورمیانه از قرن ۱۹ به بعد بوده است. مالزی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ شاهد فعالیت گسترده‌ای با حمایت دولت برای مقابله با آنچه که «آموزش‌های تفرقه‌انگیز» لقب گرفته بود. البته به نظر می‌رسد انگیزه اصلی این فعالیت‌ها رقابت‌های سیاسی داخلی در آن کشور بوده است. واقعیت آن است که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

تعداد زیادی مالزیایی و اندونزیایی که بیشتر آنها قبلاً سنی بوده‌اند در مدرسه‌های دینی قم به تحصیل اشتغال داشته‌اند. ■